



خاستگاه تولید علم در قرآن

حسن احتشام*

چکیده

تأکید قرآن کریم بر موضوعاتی مانند علم، عالم، جستجوی علمی، تعقل و تفکر، نشان دهنده اهمیتی است که این کتاب الهی برای مبانی تولید علم قائل است. به عبارت دیگر بررسی مباحث مذکور از دیدگاه قرآن، خاستگاه نوآوری علمی در کلام خداوند متعال را مشخص خواهد کرد. این موضوعات ارتباط مستقیم با نوآوری و کشف پدیده‌ها دارند. بنابراین منشاء و خاستگاه تولید علم در اهمیتی است که قرآن به این مباحث می‌دهد. و متقابلاً تولید علم در فضایی شکوفا و بارور می‌شود که مباحث ذکر شده مورد توجه قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: خاستگاه، علم، تولید علم، جنبش نرم‌افزاری

مقدمه

توجه به خاستگاه و بستر هر موضوع، به شناخت بیشتر و بهتر آن کمک خواهد کرد حال اگر بستر موضوعی در منبعی محکم و متقن مانند قرآن کریم قرار داشته باشد، پشتوانه آن به همان نسبت قوی تر خواهد بود. از طرف دیگر تصور خاستگاه برای موضوع جدیدی مانند «تولید علم» و «جنبش نرم‌افزاری» در قرآنی که چهارده قرن پیش نازل شده، ممکن است با ابهام همراه باشد، ولی مطالعه و بررسی قرآن نشان می‌دهد، برای پیشرفت در حوزه‌های مختلف و دوری از مفساد باید با جهل مبارزه کرد و راه زدودن جهل، کسب علم و دانش است، که منجر به کشف حقایق عالم هستی و در نهایت منتج به «تولید علم» خواهد شد. بنابراین در این نوشتار ما به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که خاستگاه تولید علم در قرآن کدام است؟ برای این منظور ابتدا باید ماهیت علم مشخص شود.

فلاسفه و حکما، ادراکات عقلی را علم و علم حقیقی را عبارت از آگاهی به حقایق اشیاء دانسته و تنها راه و منشاء مدرکات و علوم مفید را عقل تعریف کرده‌اند و معتقدند ادراک مطلق یا حصول اشیاء در نزد عقل، «علم» است. متکلمین دایره تعریف علم را به حوزه یقینیات محدود کرده و معتقدند هر آنچه که موجب تمییز اشیاء از یکدیگر می‌شود، علم است (حسینی‌دستی، ۱۳۷۹، ۴۳۵).

تجربه‌گرایان نیز علم را مبتنی بر اشیاء مرئی و سمعی و لمسی می‌دانند. بنابراین علم، عینی است و سلیقه‌های شخصی و تخیلات نظری را شامل نمی‌شود (الن اف چالمرز، ۱۳۷۹، ۱۳). بعضی دیگر نیز هرآنچه که هویت‌ساز باشد را علم می‌دانند نه آنچه که هویت‌برانداز است (سخنرانی آیت اله جوادی، ۲۲ آذر ۱۳۸۴). و استاد شهید مطهری کشف قوانین کلی در مورد هر چیز را علم می‌داند (مطهری، فلسفه تاریخ، ۱۳۷۶، ۱۷۱).

گذشته از دیدگاه‌های مختلف، تعریف علم در جنبش نرم‌افزاری همان یافته‌ها و پیشرفت‌های بشر در حوزه‌های تجربی و نظری می‌باشد. چرا که تولید علم براساس واقعیات موجود معنا پیدا می‌کند. وقتی که ما به دنبال شکستن مرزهای علم و دانش، که در دست دیگران است، هستیم این بدان معناست که پیشرفت‌های موجود بشر را به عنوان علم پذیرفته‌ایم.

۱- ماهیت علم

علم در قرآن مجید به عنوان نور و روشنائی معرفی شده است:

«قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تُسْتَوَىٰ الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ» بگو آیا نابینا

و بینا یکسانند؟ یا تاریکیها و روشنائی برابرند (رعد، ۱۶) «وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ

وَالْبَصِيرُ وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ وَلَا الظِّلُّ وَلَا الْحَرُورُ» و نابینا و بینا یکسان

نیستند و نه تیرگی‌ها و روشنایی و نه سایه و گرمای آفتاب (فاطر، ۱۹ تا ۲۱).

در این آیات، انسانی که علم ندارد به کور، تاریکی و انسان صاحب علم به بینا و روشنایی تشبیه گردیده است. و در جایی دیگر، علم به عنوان خیر زیاد، معرفی شده است.

«يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا» [خدا] به

هر کس که بخواهد حکمت می بخشد و به هر کس حکمت داده شود، به

یقین خیری فراوان داده شده است (بقره، ۲۶۹).

بنابر آنچه ذکر شد، ماهیت علم در قرآن، نور، روشنایی و خیر فراوان می‌باشد.

۲- علم سر چشمه پیشرفت‌های روحی و معنوی

۲-۱- علم سر چشمه تقوا و ترس از خدا

تقوا چیست؟ راه رسیدن به آن کدام است؟ آیا مراتب متفاوتی دارد؟ برای کسب مراتب بالاتر چه کار باید کرد؟ اینها سؤالاتی است مانند سؤالات علوم دیگر که تنها با کسب علم و آگاهی می‌توان پاسخ آن را پیدا کرد. چرا دانشمندان از خدا بیشتر می‌ترسند؟ به جهت آگاهی آنها از قدرت و عظمت اوست که قرآن در این خصوص می‌فرماید:

«إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» از میان بندگان خدا فقط دانشمندان از

او ترس دارند (فاطر، ۲۸).

خشیت به معنی ترسی است که همراه با تعظیم باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ۲۸۳). هر چه شناخت انسان نسبت به مخلوقات خدا بیشتر شود و قابلیت‌های درون آنها را کشف کرده و بشناسد، در مقابل خالق آنها، بیشتر سر تعظیم فرود می‌آورد.

۲-۲- علم سر چشمه زهد

بها ندادن به تجملات دنیا و دوری از تعلقات آن با وجود جذابیت‌هایش تنها با اتکا بر علم و شناخت میسر است چون کسانی که بدون علم و تنها با تقلید، پا در این میدان گذاشته‌اند، پس از مدتی منحرف گشته‌اند. قرآن کریم می‌فرماید:

«وَقَالَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ تَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِمَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا

يُلْقَاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ» آنها که از علم و دانش بهره‌ای داشتند، گفتند وای

بر شما! پاداش الهی برای کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام

می‌دهند، بهتر است اما جز صابران آن را دریافت نمی‌دارند (قصص، ۸۰).

در این خصوص امام صادق (ع) می فرمایند: از جمله سخنانی که خداوند تعالی به موسی (ع) فرمود، این بود که بندگان صالح من به اندازه علمشان نسبت به من، در دنیا زهد پیشه می کنند (مجلسی، ج ۶۷، ۴۰۴ ق، ۳۳۹).

۳-۲- علم، سرچشمه ایمان

اعتقاد به موجودی ظاهراً نامرئی که همه چیز در مقدرات اوست؛ حتماً با داشتن علم، و مطالعه روی آثار و نشانه‌های او امکان‌پذیر خواهد بود، که قرآن درباره آن می‌فرماید:

«وَيُرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَيَهْدِي إِلَى

صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ» و کسانی که از دانش بهره یافته‌اند، می‌دانند که آنچه

از جانب پروردگارت بر تو نازل شده، حق است و هادی راه خداوند، عزیز

و حمید می باشد (سبا، ۶).

ایمان عوام از روی تعصب و پیروی است نه از علم و آگاهی، و چه بسا با طرح شبهه‌ای بتوان

آن ایمان را گرفت ولی صاحب علم، ایمان قوی دارد.

۴-۲- علم، سرچشمه قدرت

علم و قدرت، عین یکدیگرند. علم، عین قدرت است و قدرت عین علم است و این تفکیکی که انسان میان علم و قدرت می‌کند، تنها از نظر مفهوم است. اصلاً خود علم، قدرت است و قدرت، علم است. بنابراین در ذات پروردگار هر دو به شکل واحد، موجود است. ما می‌بینیم قرآن در آیه‌ای که صحبت از علم است می‌فرماید:

«عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى» (نجم، ۵). «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ

قَبْلَ» (نمل، ۴۰).

و در آنجا که صحبت از قدرت است، علم را به میان می‌آورد (مطهری، نبوت، ۱۳۷۳، ۱۹۰).

قرآن می‌فرماید:

کسی که دانشی از کتاب نزد او بود، گفت من آن (تخت بلقیس ملکه سبا)

را پیش از آنکه چشم برهم زنی، نزد تو می‌آورم و هنگامی که آن را نزد

خود مستقر دید، گفت: این از فضل و بخشش پروردگار من است.

امام خمینی (ره) فرمودند: اگر جهان‌خواران و مستکبران بخواهند در مقابل دین ما بایستند،

ما در مقابل دنیای آنها خواهیم ایستاد (امام خمینی، ۱۳۶۶، ۲۲). این جملات، زمانی ایراد شد که ما

از نظر ظاهری در ضعیف‌ترین موضع بودیم ولی علم به قدرت خدا، به مؤمن نیرو و قوت می‌دهد.

۵-۲- علم، سرچشمه تزکیه روح

در مکتب انبیا، پرورش روحی و آموزش فکری در کنار بینش و بصیرت مطرح است (قرائتی، ج ۸، ۱۳۸۳، ۱۱۹). از این رو حضرت ابراهیم علیه السلام از خدا می خواهد:

«رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ
وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» پروردگارا! از میان آنها
(دودمان پیامبر) پیامبری از خودشان مبعوث کن تا آیات تو را بر
آنها بخواند و آنها را کتاب و حکمت بیاموزد و تزکیه و تربیت کند،
زیرا تو توانا و حکیمی (بقره، ۱۲۹).

از آنجایی که انسان پیوسته در راستای امیال نفسانی و شیطانی قرار دارد، برای خارج شدن از این وضعیت و پاک ساختن روح، نیاز به نیرو و قدرتی اکتسابی به نام علم و معرفت دارد، و تا آن را کسب نکنند، در جهت تطهیر روحش موفق نخواهد بود.

۶-۲- علم، سرچشمه صبر و شکیبایی

آگاهی و احاطه علمی، ظرفیت و صبر انسان را بالا می برد (قرائتی، ج ۲، ۱۳۸۳، ۲۰۳) و قرآن صبر کردن را ملازم با شناخت دانسته و می فرماید:

« وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا » و چگونه می توانی در برابر چیزی که
از آن آگاه نیستی، شکیبایی باشی (کهف، ۶۸).

وقتی که حضرت موسی (ع) از خضر نبی (ع) تقاضای تعلیم علوم را کرد، خضر (ع) جمله فوق را فرمود: شناخت واقعیت و بطن و عمق حوادث، اتکا به نیرویی قابل اعتماد (که این هم با شناخت ممکن می شود) است که صبر به همراه می آورد و این شناخت حتماً با داشتن علم و دانش میسر می گردد.

براساس آنچه که ذکر شد، ایمان، تقوا، زهد، تزکیه، صبر و قدرت در سایه علم و معرفت تحقق پیدا می کنند و با گسترش علم، ارتقاء می یابند. پس گسترش علم و تولید آن می تواند ایمان و تقوای افراد و جامعه را فزونی بخشد.

۳- پیشرفت های مادی

قرآن، عامل جمع آوری ثروت و قدرت زیاد قارون را داشتن علم (به فرموده امام صادق علیه السلام علم شیمی داشته است) (بروجردی، ج ۵، ۱۳۶۶، ۱۹۳) بیان کرده و می فرماید:

« قَالَ إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي » گفت: این ثروت را به وسیله دانشی که دارم بدست آورده ام (قصص، ۷۸).

عالم کیست؟

عالم به کسی گفته می‌شود که صاحب علم بوده و کشف کننده روابط حاکم بین موجودات جهان باشد.

قرآن کریم برای صاحبان علم جایگاه رفیعی قائل است به طوری که نبود آنها را نقص زمین می‌داند، آنجا که می‌فرماید:

«أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا...» آیا ندیده اند که ما

[همواره] می‌آییم و از اطراف این زمین می‌کاهیم (رعد، ۴۱).

امام صادق علیه‌السلام در تفسیر آیه فرمودند: یعنی دانشمندان و برگزیدگان را از اطراف زمین کم می‌کنیم (طبرسی، ج ۱۳، ۱۳۵۲، ۸۹). ابن عباس (ابن عباس، بی تا، ۲۱۰) و قرطبی (قرطبی، ج ۵، ۱۴۲۲، ۲۳۵) در تفاسیر خود می‌نویسند که منظور از «نقص» در زمین، مُردن دانشمندان و برگزیدگان است.

در جایی دیگر می‌فرماید:

«يرفع الله الذين امنوا منكم و الذين اوتوا العلم درجات والله بما تعملون خبير» (مجادله، ۱۱) خداوند، [رتبه] کسانی از شما را که گرویده و کسانی را که دانشمندانند، [بر حسب] درجات بلند گرداند و خدا به آنچه می‌کنید، آگاه است.

خداوند متعال به رسولش دستور داد مرتبه صاحبان علم را از فاقدان علم بالاتر و به خود نزدیک‌تر بدان (طبرسی، ج ۲۴، ۱۳۶۰، ۲۸۵). ابن مسعود به اصحاب می‌گفت: این آیه را بخوانید تا رغبت شما به علم و دانش زیاد شود چون خداوند می‌فرماید: من عالم مؤمن را به آن کسی که غیر عالم است، به درجات بسیار برتری دادم (بروجردی، ج ۷، ۹).

الف- جستجوی علمی

۱- کشتن و یافتن

از گشت و گذار در زمین و نظاره کردن همراه با تفکر، حقایقی برای انسان هویدا می‌گردد که چنین سیاحتی به واسطه کسب علمی که آدمی می‌کند، پیشرفت او را نیز بدنبال خواهد داشت.

«قل سیروا فی الارض فانظروا...» (انعام، ۱۱ و نمل، ۶۹)

«قل سیروا فی الارض فانظروا کیف بدأ الخلق ثم ینشیء النشأت الاخره...» (عنکبوت، ۲۰)

«قل سیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه الذین من قبل...» (روم، ۴۲)

«اولم یسیروا فی الارض فینظروا کیف کان عاقبه الذین من قبلهم...» (یوسف، ۱۰۹)
 «افلّم یسیروا فی الارض فتکون لهم قلوب یعقلون بها أو اذان یسمعون بها فانها لا تعمی الابصار و
 لکن تعمی القلوب التی فی الصدور» (حج، ۴۶)

«سیر» به معنی راه رفتن در روی زمین است و با گشتن با جسم و بدن، حاصل می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ۴۳۲). (احتمالاً اشاره به حضور فیزیکی فرد دارد و می‌خواهد بگوید که این امر با شنیدن از دیگران تحقق پیدا نمی‌کند) «نظر» این طرف و آن طرف انداختن نگاه و نیروی مدرکه برای شناخت چیزها، گاهی به وسیله آن، اندیشیدن و آزمایش کردن اراده می‌شود و گاهی شناخت به وجود آمده پس از آزمایش» (همان، ۸۱۲).

در بسیاری از مواقع، جستجوی علمی، گشت و گذار را طلب می‌کند. بسیاری از پدیده‌های علمی به وسیله جستجو در طبیعت و آثار گذشتگان کشف می‌شوند. نکته دیگر اینکه زمانی جستجو مثمر ثمر خواهد بود که با فکر و تعمق همراه باشد ولی اگر برای سرگرمی و تفریح باشد، به همان میزان ثمربخشی کمتری خواهد داشت.

۲- آباد کردن زمین

خداوند متعال بشر را موظف به آباد کردن زمین کرده است و این عمران و آبادانی را از بین تمام موجودات، به انسان واگذار کرده (جوادی آملی، ج ۲، ۱۳۸۵، ۵۱۹) آنجا که می‌فرماید:

«...هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا...» او خدایی است که شما را از

زمین پدید آورد و شما را به آباد کردن آن فرا خواند (هود، ۶۱).

«واستعمر کم فیها» وقتی که آباد کردن به او واگذار شد (راغب اصفهانی، ۵۸۶). ساختن و آباد کردن در هر زمینه‌ای مستلزم کسب دانش و داشتن علم و دانش با هدف گسترش زندگی بشر، حتماً تولید علم و نوآوری را به دنبال خواهد داشت. در نتیجه، دستور به آبادانی می‌تواند یکی از سرچشمه‌های تولید دانش در قرآن باشد.

۳- شناخت و تصرف در عالم هستی

تا چند دهه پیش، حتی احتمال سفر به کرات آسمانی و اعماق زمین و دریاها و تصرف در آنها امکان‌پذیر نبود ولی اکنون در آنها تصرف به وجود آمده است و بر اساس آیات قرآن، تمام پدیده‌های عالم هستی برای بشر قابل تصرف است.

«هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَأْمَنُوا فِي مَنَاصِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ» او

کسی است که زمین را برای شما قابل تصرف کرد (طبرسی، ج ۲۵، ۱۸۵)

پس در راه‌های آن (مجمع‌البیان)، اطراف و جوانب آن (اتنی‌عشری) روش‌های آن (حجه‌التفاسیر)، پستی و بلندی‌های آن (جامع)، از این قطعه به آن قطعه

رفتن (المیزان)، کوهها (التبیان) اطراف و دور و بر آن (اطیبالبیان)، شانه‌ها و صفحه زمین (نمونه)، کوهها و راه‌های وسیع (روح‌المعانی)، اطراف و راه‌های وسیع (الدرالمثور)، حرکت کنید (بگردید) و استفاده کنید از روزی خدا (ملک، ۱۵).

نکات:

استمرار سیل‌های خانمان‌برانداز، زلزله‌های عجیب، آتشفشان‌های هولناک، آزاد شدن انرژی نهفته در سنگ‌های معدنی و... هر کدام به تنهایی می‌توانند آرامش را از زمین گرفته و آن را برای انسان غیر قابل سکونت کنند در نتیجه عملاً آرامش زندگی برای ما وجود نداشته باشد. با توجه به تنوع معانی در تفسیرها، منظور از «فامشوا فی مناکیها» می‌تواند گردیدن در

دریاها، اعماق کوه و دریا، بلندترین ارتفاعات و بالاخره تمام نقاط زمین باشد.

منظور از «رزق»، تنها خوراکی‌ها نیست. گاهی به عطاء دائمی، خواه دنیوی، خواه اخروی، اطلاق می‌شود و گاهی به نصیب و بهره و گاهی به غذا (راغب اصفهانی، ۳۵۱). رزق، عطایی است که از آن منتفع می‌شوند خواه طعام باشد یا علم یا غیر آن و صحاح آن را اعطاء و آنچه از آن نفع برده می‌شود می‌داند (قرشی، ج ۳، ۱۳۷۱، ۸۳).

امام صادق علیه‌السلام در معنای رزق و بخشش آن، می‌فرمایند: از آنچه ما به انسان آموخته‌ایم به دیگران ببخشید (طبرسی، ۶۳).

براساس هدایت قرآن، انسان باید برای رفع نیازهای خود، اعم از مادی و معنوی، علمی و غیر علمی، در اکتاف عالم به تحقیق بپردازد و برای رسیدن به تعالی خود، راهی جز تولید علم و کشف پدیده‌ها ندارد. پس برای «کلوا من رزقه» باید «فامشوا فی مناکیها» کنیم.

۴- یافتن خیرات و برکات

در آیاتی از قرآن، بشر دعوت به یافتن روزی خود، از اعماق کوه‌های پراکنده در روی زمین شده است.

«وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ

سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ» و در [زمین]، از فراز آن [لنگرآسا] کوه‌ها نهاد و در آن خیر

فراوان پدید آورد و مواد خوراکی آن را در چهار روز اندازه گیری کرد [که]

برای خواهندگان درست [و متناسب با نیازهایشان] است (فصلت، ۱۰).

کوه‌ها به طور مستقیم یا غیر مستقیم نقش تعیین کننده و کلیدی در چرخه زندگی کره

زمین و موجودات آن دارند، به طوری که می‌فرماید:

«وَالْجِبَالُ أَوْتَادًا» آیا کوهها را (به منزله) میخ نگردانیدیم (نبا، ۷). «وَالْجِبَالُ

أَرْسَافًا» کوهها را لنگر (زمین) گردانیدیم (نازعات، ۳۲).

از کنترل آب و هوای مناطق مختلف تا رویش گیاهان و معادن بزرگ مواد گوناگون که باعث تحول در پیشرفت بشر می‌شود، همه و همه از برکات این نعمت الهی است. حتی هنگام برپایی قیامت، برای ایجاد تغییرات، ابتدا باید کوهها متلاشی شده و به حرکت درآیند. «وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ» زمانیکه کوهها به حرکت در می‌آیند (تکویر، ۳). به عبارتی دیگر پس از تحولات در آسمان، اولین تحولی که در زمین لازم است بوجود آید مربوط به کوهها می‌باشد. «فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ وَإِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ» وقتی که ستارگان محو شوند و آنگاه که آسمان بشکافتد و آنگاه که کوهها از جا کنده شوند (مرسلات، ۸ تا ۱۰).

بنابراین تا کوهها استوار و ثابت باشند، کره زمین پابرجاست. گذشته از این نقش مهم، می‌فرماید: در آنها خیر و برکت قرار دادیم «وَبَارِكْ فِيهَا» کشف و بهره‌برداری این برکات، تولید علم خواهد بود.

«بارک» دلالت بر استمرار برکت دارد (نجفی خمینی، ج ۱۷، ۱۳۹۸ ق، ۳۱۴) و خیرهای زیادی که برای منافع خلق مقدر گشته و مصالحی موجود در آن (ابن عبیسه، ج ۵، ۱۴۱۹ ق، ۱۶۲) را در بر می‌گیرد که شامل درختان، میوه‌ها، غلات، رودخانه‌ها، حیوانات، مایحتاج انسان (ملا حبیب، ج ۴، ۱۳۸۲ ق، ۵)، معادن مفید و نباتات مفید غذایی و دارویی (علامه طباطبایی، ج ۱، ۱۳۷۴، ۶۱۰) می‌گردد.

به طور قطع و یقین هنوز همه خیرات و برکات موجود در کوهها شناخته نشده است. تلاش در جهت یافتن آنها، تولید علم را به دنبال خواهد داشت.

۵- یافتن راه‌های تکامل

خداوند در زمین راه‌ها و طرقی فرا روی انسان نهاد تا به وسیله آنها به سوی مقاصد خود راه یافته و هدایت شود (همان، ج ۱۸، ۱۲۷) که در آیات زیر به همین مطلب اشاره دارد:

«وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَأَنْهَارًا وَسُبُلًا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ»

و در زمین، کوه‌هایی استوار افکند تا شما را بجنبانند، و رودها و راه‌ها [قرار داد] تا شما راه خود را پیدا کنید (نحل، ۱۵). «الَّذِي جَعَلَ

لَكُمْ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا» همان کسی که زمین را

برایتان گهواره‌ای ساخت و برای شما، در آن راه‌ها ترسیم کرد

طه، ۵۳). «وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ وَجَعَلْنَا فِيهَا فِجَاجًا سُبُلًا لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ» و در زمین کوه‌هایی استوار نهادیم تا مبادا! (زمین) آنان را بجنباند و در آن راه‌هایی فراخ پدید آوردیم باشد که راه یابند (انبیاء، ۳۱). «الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ مَهْدًا وَجَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» همان کسی که این زمین را برای شما گهواره‌ای گردانید و برای شما در آن راه‌ها نهاد، باشد که راه یابید (زخرف، ۱۰). «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ بِسَاطًا لِتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا» و خداوند زمین را برای شما فرشی [گسترده] ساخت تا در راه‌های فراخ آن بروید (نوح، ۱۹ و ۲۰).

«سبیل» به معنی راه هموار و آسان‌گذر است (راغب اصفهانی، ۳۹۵) اعم از راه هدایت، راه ضلالت و یا راه معمولی است (قرشی، ۲۲۳) و جمع آن «سبل» به معنی راه‌های هموار و آسان (راغب اصفهانی، ۳۹۵) که شامل کلیه راه‌ها می‌شود (نجفی خمینی، ج ۱۱، ۳۷۵). از عبارات «لعلکم تهتدون» و «لعلکم یهتدون» راه‌ها و پیشرفت‌های معنوی، و از عبارت «وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْ نَبَاتٍ شَتَّى» و از آسمان آبی فرود آورد پس به وسیله آن رستنیهای گوناگون جفت جفت بیرون آوریم (طه، ۵۳) راه‌های رسیدن به پیشرفت‌های مادی برداشت می‌شود البته هر دو می‌توانند در راه رسیدن به کمال، مکمل یکدیگر باشند. پس از اینکه خداوند کوه‌ها را به عنوان لنگرگاه زمین جهت آرامش و ثبات انسان آفرید، راه‌هایی را نیز برای رسیدن به هدف آفرینش و رستگاری او قرار داد. «سلک لکم فیها سبلا» این نکته‌ایست که از آیات بالا استفاده می‌شود. بنابراین شکی نیست که این راه‌ها برای تکامل و پیشرفت بشر بنا شده است. بر این اساس، کشف این راه‌ها، تولید علم و نوآوری است.

ب- تعقل

عقل از واژه «عقال»، به معنی طنابی است که بر پای شتر می‌بندند تا حرکت نکند و از آنجا که نیروی خرد، انسان را از کارهای ناهنجار باز می‌دارد، این واژه بر آن اطلاق شده است (راغب اصفهانی، ۵۷۸).

در ۴۹ آیه از قرآن از ماده «عقل» استفاده شده است. با وجود تفاوت‌های محتوایی موجود بین سوره‌های مکی و مدنی، دعوت به تعقل، یکی از وجوه مشترک آنهاست. تمام افراد بشر با هر

نوع دیدگاه (مشرک، مؤمن، کافر، منافق و...) دعوت به تعقل شده‌اند. در ۱۴ آیه از قرآن انسان با عبارت «افلاتعقلون»، تحریک به استفاده از قوه عقل خود شده است.

پیامبراسلام (ص) میزان ارزش و پاداش اعمال و عبادات انسان مؤمن را به اندازه میزان عقل او دانسته و می‌فرماید: ممکن است انسان اهل جهاد، نماز، روزه، و از امرین به معروف و ناهیان از منکر باشد، اما روز قیامت تنها به اندازه عقلش به او پاداش داده می‌شود (طبرسی، ج ۱۰، ۳۲۴). امیرمؤمنان، علی علیه‌السلام، هیچ فقری را بالاتر از جهل و هیچ غنایی را بالاتر از عقل نمی‌داند آنجا که می‌فرماید: «لا غنی کالعقل ولا فقر کالجهل» (نهج البلاغه، حکمت ۵۴).

قرآن مجید جهت شناخت صحیح انسان از خود، آفریدگار، محیط، آینده خود و جهان، او را به استفاده از عقل دعوت می‌کند و تعقل در روابط حاکم بر موجودات جهان هستی را راه شناخت و معرفت معرفی می‌کند.

«إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَخْتَبِ بِهِنَّ الْأَرْضُ بِعَدَمِ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» به راستی که در آفرینش آسمان‌ها و زمین و در پی یکدیگر آمدن شب و روز و کشتی‌هایی که در دریا روانند، با آنچه به مردم سود می‌رساند و [همچنین] آبی که خدا از آسمان فرو فرستاده و با آن زمین را پس از مردنش زنده گردانیده و در آن هرگونه جنبنده‌ای پراکنده کرده و نیز در [گردانیدن] بادهای و ابری که میان آسمان و زمین آرمیده است، برای گروهی که می‌اندیشند، واقعاً نشانه‌هایی [گویا] وجود دارد (بقره، ۱۶۴).

خداوند متعال وجود خود را با نشانه‌های موجود در عالم هستی معرفی می‌کند، ولی راه معرفت و شناخت آنها را تعقل می‌داند:

«كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» بدین گونه خداوند آیات خود را برای شما بیان می‌کند، باشد که ببیند پیشید (بقره، ۲۴۳).

او بدترین انسان‌ها را در نزد خودش کسانی می‌داند که از عقل خود استفاده نمی‌کنند: «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمُّ الصَّمُّ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ» قطعاً بدترین جنبندگان نزد خدا، کران و لالانی‌اند که نمی‌اندیشند (انفال، ۲۲).

دوای جمع دابه، به معنی جنبندگان است (طبرسی، ۱۹۰). خدای متعال چنین کسانی را انسان نمی‌خواند و آنها را جنبندگان معرفی می‌کند که حتی کر و لال هستند. این نکته مهم در آیه‌ای دیگر تصریح می‌شود:

«أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا» آیا گمان داری که بیشترشان می‌شنوند یا می‌اندیشند آنان جز مانند ستوران نیستند بلکه همراه ترند (فرقان، ۴۴).

نکته دیگر، تسخیر شب و روز و ماه و خورشید و ستارگان توسط انسان است تا او با تعقل در آنها و کشف اسرار آن، پی به آفریدگار جهان و هدف از آفرینش ببرد:

«وَسَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» شب و روز و خورشید و ماه را برای شما رام گردانید و ستارگان به فرمان او مسخر شده‌اند مسلماً در این [امور] برای مردمی که

تعقل می‌کنند، نشانه‌هایی است (نحل، ۱۲).

بنابر آنچه که بیان شد، عقل، ابزار اندیشیدن است و اندیشیدن، الفبای تولید علم است. براین اساس قرآن مجید نه تنها برای رسیدن به بطن امور مادی و جسمی، بلکه برای پی بردن به امور معنوی و نامحسوس، انسان را دعوت به استفاده از عقلی می‌کند که در وجود اوست و انکار آن امکان ندارد.

ج- تفکر

«تفکر» تکاپوی نیرویی برخواسته از عقل و مختص انسان است، نه حیوان (راغب اصفهانی، ۶۴۳). این واژه از ماده «فکر» و در ۱۸ آیه قرآن، شامل سوره‌های مکی و مدنی استفاده شده است. در طول سال‌های نزول قرآن با موضوعات مختلف، انسان‌ها دعوت به اندیشیدن شده‌اند.

خدای متعال از انسان خواسته است که توحید، نبوت، معاد، انجام عبادات، دوری از محرّمات، ترس از قیامت، جایگاه مهم قرآن، تسخیر جهان هستی توسط انسان، پیشرفت در امور زندگی، جفت آفریدن انسان و دیگر موجودات را بر پایه عقل استوار ساخته و سپس بپذیرد. به ترتیب آیات مربوط عبارتند از:

پذیرش توحید «وهو الذی مدالارض وجعل فیها رواسی و انهارا و من کل الثمرات جعل فیها زوجین اثنین یغشی اللیل النهار ان فی ذلک الایات لقوم یتفکرون» (رعد، ۳)، نبوت «قل لا اقول لکم عندی خزائن الله ولا اعلم الغیب ولا اقول لکم انی ملک ان اتبع الا ما یوحی الی قل هل یرتوی الاعمی والبصیر افلا تتفکرون» (انعام، ۵۰)، معاد «ینبت لکم به الزرع و الزیتون و النخیل و الاعناب

ومن كل الثمرات ان في ذلك لآيات لقوم يتفكرون» (نحل، ۱۱)، انجام عبادت «الذین یذکرون الله قیاما وقعودا وعلی جنوبهم ویتفکرون فی خلق السموات و الارض ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانک فقنا عذاب النار» (آل عمران، ۱۹۱)، دوری از محرّمات «کتب علیکم القتال و هو کره لکم و عسی ان تکرهوا شیئا و هو خیر لکم و عسی ان تحبوا شیئا و هو شر لکم و الله یعلم و انتم لاتعلمون» (بقره، ۲۱۶)، ترس از قیامت «قل انما اعظکم بواحدہ ان تقوموا لله متنی و فردی ثم تتفکروا ما بصاحبکم من جنه ان هو الا نذیر لکم بین یدی عذاب شدید» (سبا، ۴۶)، جایگاه مهم قرآن مجید «لوانزلنا هذا القران علی جبل لرایته خاشعا متصدعا من خشیت الله و تلک الامثال نضربها للناس لعلهم یتفکرون» (حشر، ۲۱)، تسخیر جهان هستی توسط انسان «وسخر لکم ما فی السموات و ما فی الارض جمیعا منه ان فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون» (جاثیه، ۱۳)، پیشرفت در امور زندگی «ثم کلی من کل الثمرات فاسلکی سبیل ربک ذللا یرخرج من بطونها شراب مختلف الوانه فیه شفاء للناس ان فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون» (نحل، ۶۹)، جفت آفریدن انسان و تمام موجودات دیگر «ومن آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجا لتسکنوا الیها وجعل بینکم مودة و رحمة ان فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون» (روم، ۲۱)، را با تفکر از انسان مطالبه کرده است.

خطاب به انسان می‌فرماید: تو با آندیشیدن در کوه‌ها، دریاها و رودها، پدید آمدن روز و شب، جفت بودن موجودات، زمستان و تابستان شدن طبیعت و... حتی پروردگارت را می‌توانی بشناسی.

«وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا رِزْقَيْنِ اثْنَيْنِ يُغْشَى اللَّيْلُ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» و اوست کسی که زمین را گسترانید و در آن کوه‌ها و رودها نهاد و از هرگونه میوه‌ای در آن جفت جفت قرار داد؛ روز را به شب می‌پوشانید، قطعا در این [امور] برای مردمی که تفکر می‌کنند، نشانه‌هایی وجود دارد (رعد، ۱۱).

بنابراین اگر بتوان با فکر کردن در آسمان و زمین و موجودات در آنها، پی به خالق هستی برد، به طریق اولی پی بردن به خود موجودات و روابط بین آنها، با تضمینی که خود خداوند فرمود، امکان خواهد داشت:

«وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَابَّتَيْنِ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ» و خورشید و ماه

را، که پیوسته روانند، برای شما رام گردانید و شب و روز را [نیز] مسخر

شما ساخت (ابراهیم، ۳۳)

اشاره به تسخیر مخلوقات عالم بوسیله انسان، توسط قرآن از باب تسخیر ذاتی نیست که ذاتاً، جهان، مسخر انسان آفریده شده باشد.

«وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ

لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» و آنچه را در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، به سوی شما

رام کرد، همه از اوست. قطعاً در این [امر] برای مردمی که می‌اندیشند،

نشانه‌هایی است (جاثیه، ۱۳).

بلکه این مهم موقعی اتفاق می‌افتد که او از نیروی خارق‌العاده و استثنایی «فکر و اندیشه» استفاده کند. به عبارتی، هیچ انسانی ذاتاً قادر به فتح کره ماه و کشف مواد معدنی از دل کوه‌ها نخواهد بود، بلکه به کار انداختن قوه تفکر، او را در این راه یاری خواهد کرد.

نتیجه اینکه تمام پیشرفت‌های بشر، بدون استثناء، از آغاز پیدایش او در این جهان، با تفکر و اندیشه صورت گرفته است. هیچ پیشرفت و تحولی بدون فکر کردن امکان ندارد. با تفکر روی یک حرکت ساده مانند افتادن سیب از درخت، می‌توان پدیده بزرگی مثل قانون جاذبه را کشف کرد.

نتیجه

توجه قرآن کریم به موضوعاتی مانند ترغیب به کشف واقعیات، کسب علم، جایگاه و منزلت عالم، اندیشیدن در پدیده‌های جهان، سیرو سفر در زمین، استفاده از قوه عاقله به جای داشتن تعصب و احساسات، نشان از خاستگاه رفیع و محکم مقوله «تولید علم» در قرآن دارد؛ چرا که همه این بحث‌ها از مبانی تولید علم هستند و زمانی که جامعه نیز به آنها توجه کرده و زمینه تحقق آن را فراهم کند، جنبش نرم‌افزاری با تمام ابعادش محقق خواهد شد.

فهرست منابع

منابع فارسی

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، چاپ سوم، تهران: دارالقرآن کریم، ۱۳۷۶.
- امام خمینی، روح‌الله، فریادبرائت، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۶.
- بروجردی، محمدابراهیم، تفسیر جامع، ج ۷ و ۵، چاپ ششم، تهران: صدرا، ۱۳۶۶.
- جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۲، چاپ دوم، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۵.

- طباطبایی، سیدمحمدحسین، تفسیرالمیزان، مترجمان، ج ۱۸ و ۱۸، بی‌جا: بنیاد علمی وفکری علامه، بی‌تا.
- طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر مجمع‌البیان فی تفسیرالقرآن، مترجمان، ج ۱۰ و ۱۳ و ۲۴ و ۲۵، تهران: فراهانی، ۱۳۶۰.
- قرائتی، محسن، تفسیر نور، ج ۷ و ۲، چاپ یازدهم، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳.
- قرشی، علی‌اکبر، قاموس قرآن، ج ۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۴.
- مطهری، مرتضی، نبوت، تهران: صدرا، ۱۳۷۳.
- نجفی خمینی، محمد جواد، تفسیر آسان، ج ۱۱ و ۱۷، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۸ ق.
- نهج‌البلاغه، سیدرضی، ترجمه محمددشتی، چاپ سوم، قم: نشرالهادی، ۱۳۷۹.

منابع عربی

- آل‌غازی عبدالقادر، ملاحویش، تفسیر بیان‌المعانی، ج ۴، دمشق: مطبعه الترقی، ۱۳۸۲ ق.
- ابن‌عجیبه، البحر مدید، ج ۵، قاهره: حسن عباس زکی، ۱۴۱۹ ق.
- راغب اصفهانی، مفردات الفاظ‌القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، دمشق: دارالقلم، ۱۴۱۶ ق.
- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۶۷، بیروت: الوفاء، ۱۴۰۴ ق.

